کتاب

روضة الشهداء لمولانا الکاشفی

اعلی الله مقامه

کتاب روضة الشهدا

داشتن وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ ونقصان بعضی مالها بتاراج و حادثات یا اخراج صدقات
و زکوة وَالْأَنْفُسِ ونقصان در نفسها که آن بیماری باشد یا ضعف و عجز یا احتیاج و
بی نوائی وَالثَّمَرَاتِ بنقصان میوها و تلف شدن محصولات بآفات ارضی و سماوی یا مرگ
فرزندان که میوه باغ دلند و روشنی چراغ بصرند و ثمره نهال پدر و مادر وَبَشِّرِ
الصَّابِرِينَ و بشارت ده صابران را که درین بلیات طریقه شکیبائی پیش آرند و
رسوم جزع و فزع و شکایت فروگذارند ‌‌ جام محنت خورند و دم نزنند
جز راه وفا قدم نزنند ‌‌ خوش بسوزند در وفا چون عود ‌‌ کز دل ایشان برون نیاید دود
الَّذِينَ و این صابران که استحقاق بشارت دارند آنانند که بحکم الهی و فرمان پادشاهی باشند
إِذَا أَصَابَتْهُمْ چون برسد ایشانرا مُصِيبَةٌ آفتی و بلیتی و اذیتی قَالُوا گویند
از روی اخلاص که إِنَّا لِلَّهِ بدرستی که ما از آن خداوندیم و بکمند بندگی او در بندیم
و هر چه از خواجه به بنده رسد و از مالک بمملوک واقع گردد جز رضا و تسلیم و انقیاد
حکم قضا چاره نباشد وَإِنَّا إِلَيْهِ و ما بسوی مکافات او رَاجِعُونَ باز گردانیدگانیم یعنی
رجوع ما بحضرت او خواهد بود و اگر بحکم او خرسند باشیم مستوجب ثواب گردیم و اگر از
مراد او سر بپیچیم مستحق عذاب مخلد گردیم ‌ بیت ‌ سر قبول بباید نهاد و گردن طوع
که هر چه حاکم عادل کند همه داد است ‌ مضمون این آیه وافی هدایت مشعر است بآنکه
بلا محک نقد عالمیان و معیار تجربه احوال آدمیان است تا هر که دعوی محبت کند نقد حال او را
در بوته بلا و کوره عنا بآتش امتحان و ابتلا بگدازند و اگر از غش نفس و هوای دنی و دغل [illegible]



طبع خسیس پاک و پاکیزه است از ظلام آزمایش خالص بیرون آید و فراب عنایت چهره
او را در دار الضرب هدایت بسکه قبول بار آید و اگر مغشوش و معیوبست در نیران فراق
سمت احتراق موسوم شده مردود ابد گردد و در حدیثی از کتب مذکور است که مَن اَحَبَّ
اذا احبّ فصبّ علیه البلاء یعنی هرکه دعوی دوستی خدا کند و بدست ارادت حلقه
در محبت زند تا هرکه حق سبحانه و تعالی او را خلعت محبوبیت پوشاند یا جرعهٔ مقبولیت نوشاند
بارٔان بلا از ابر محنت و غمان بیابی بر فرق او ریزاند و شادی و بهجت و آسایش و راحت
بتمامی از و گریزان شود البلاء للولاء کاللهب للذهب ترجمه ازین کلمات در مثنوی
حضرت مولوی بدینمنوال فرموده که بیت دوستی چون زر بلا چون آتش است
زر خالص در دل آتش خوش است و از فحوای این کلام سابقه چنان بحیط فهم در می آید
که بلا متوجه اهل ولاست و محنت متعلق بارباب محبت هرجا که بنای محبت نهاده اند
دری ز محنت گشاده اند و در هر میدان که لواء ولا برافروخته اند فوج بلا را علم
آن بای علم ساخته اند هرگاه حق سبحانه دوست دارد او را به بلا ابتلا سازد و بمحن ممتحن
گرداند و مؤید این معنی حدیث حضرت رسالت پناه است علیه صلوات الله و سلامه آنجا که فرموده
ان الله اذا احبّ قوما ابتلاهم بدرستی که حق سبحانه و تعالی چون قومی را دوست
دارد لشکر بلا بمقدار و لا نازل گرداند هرکه در گوشش دوستی حق از همه
روان در پیش هر آینه مشقت بلیّت او از همه بیش بود بیت هرکرا ذوق محبت بیشتر
سینه اش از زخم محنت ریش تر و از حضرت سید کائنات علیه افضل الصلوات سوال کردند که

۲

ای الناس اشد بلاء کدام طایفه از مردمان سختتر ند از روی بلا کدام گروه از آدمیان
سختر و دلسوز تر و دشوار تر است و محنت کدام زمره اصناف انسان صعبتر و غم اندوزتر
فرمود که الانبیاء پیغمبران که محرم حریم جلال اند بلای ایشان سختتر ز بلای همه بشر است
و محنتی که متوجه روزگار ایشان باشد از همه عظیمتر پس از ایشان بلای جمعی که شبیه تر
باشند بدیشان در سلوک سبیل محبت و وقوف بر اسرار معرفت نیز صعب باشد فالامثل
پس آنها که اشبه باشند بدین جماعت و برهمین قیاس هر که بدرگاه قرب اقرب بود بلا
عنا او اشد و اصعب بود بیت هرکه درین بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش میدهند
وانکه ز دلبر نظری خاص یافت داغ عنا بر جگرش می نهند بلا نه شربت شیرینست که
اطفال طریقت را دهند بلکه قدح زهر هلاهلست که بر دست بالغان راه نهند یکی از مشایخ
طریقت میفرماید که بیت دردی خوردن میکده عادة ماست رطلی که گرانترست
آن بابت ماست و ازینجاست که هر بلا که گرانتر است بر دلهای مبارک انبیاست
و هر تحفه محنتی که قوی تر است بر اولیا و اصفیا فرستاده اند و در روح الارواح
آورده اند که هرکرا جاه صدیقان و قدمگاه محبان می باید یکقدم بر مراد خود نباید گرفت
و یکدم بآرزوی دل بر نباید آورد فرد عاشق باشی ترا زبون باید بود ورنه
ز زه عشق برون باید بود و در راه ابتلای او هزار هزار دل کباب است و صد کشاکش
محنت و بلای او هزار هزار دیده پر آب و در هر بادیه او را سر گشته ایست بحسرت افتاده و در
هر زاویه سوخته ایست از سطوت کبریا جان داده کدام دلیست که نه گداخته زبانه آتش بلای او است

اشتر و مختار و غیر ایشان از دوستداران اهل بیت سید ابرار در کتب مذکور
مسطور است والله علیم بذات الصدور یافعی در کتاب مرآة الجنان آورده که
بعد از قتل امام حسین ع اندک وقتی را سر پر زیاد علیه اللعنة من رب العباد الی یوم التناد را
بدار الاماره کوفه آوردند و آن سر خبیث نحس را از آنجا که سر مبارک مطیب مکرم امام حسین ع
نهاده بودند نهادند و امام ترمذی بسند خود از عماره بن عمر نقل میکند که چون سر زیاد
پلید و اصحاب او را بمسجد کوفه در آوردند و در رحبه نهادند من آنجا رسیدم و آواز
مردم شنیدم که آمد آمد ناگاه ماری پیدا شد و میان آن سرها در آمده بسوراخ بینی سر زیاد
در رفت و اندک زمانی درنگ کرده بیرون آمد و برفت تا از نظر مردم غایب شد
باز فریاد مردم برآمد که آمد آمد دیدم که همان مار پیدا شد و همان عمل که پیشتر کرده بود تکرار نمود
و چند نوبت این عمل مشاهده افتاد یافعی فرموده که این مکافات آن فعل بود که از
سر امام خوانده و ظاهر شده و این بار زنت نه تا عذاب آشکارای اوست و این نقل در شواهد نیز
مذکور است و هم در شواهد آورده که یکی از بدبختان در مدینه خطبه میخواند و نقل ابیات حسین ع
بشناعت می کرد شبی آن را در مدینه آوازی شنیدند و صاحب آواز ندیدند و بیت شنیدند
که میخواندند ایها القاتلون جهلا حسینا ۰ ابشروا بالعذاب والتنکیل
ای کشندگان امام حسین ع از روی جهل و بیخودی بشارت باد شما را از عذاب دوزخ
و بند مقید بودن در سجن سجین و ترجمه بیتی دیگر اینست که هر که در آسمانست بر شما نفرین
می کنند از ارواح انبیا و ملائکه و گروه مقربان و معنی بیت سیوم چنین است که شما لعنت کرده شده اید

بزبان پسر داود یعنی سلیمان و بزبان عیسی که صاحب الجبل است و هم در شواهد نقل
کرده که یکی از غازیان ارض روم گفته است که در کنایس ایشان دیده ام که نوشته بود
بیت اترجو امة قتلت حسینا ۰ شفاعة جده یوم الحساب پرسیدم که
این را که نوشته و کی نوشته اند گفتند نمیدانیم ابو المعمر [illegible] است که این چهار
بیت است و تاریخ نوشتن این ابیات هم در آنجا بوده و حساب کرده اند سیصد سال
پیش از بعثت حضرت رسالت ص بوده ترجمه این بیت که مسطور شده اینست که آیا
امید میدارند استفهام بر سبیل تعجب است چگونه امید میدارند گروهی که امام حسین ع
را شهید کنند شفاعت جد او را در روز شمار این غریبست که کسی فرزند
کسی را بظلم و جفا بقتل رساند و خواهد که پدر آن مقتول مظلوم او را
شفاعت کند نظم تعجبست مرا زان لعین که از سر جهل ۰ نداشت
حرمت اولاد پاک مصطفوی ۰ بریخت خون حسین و هنوز میدارد
طمع بلطف خدا و شفاعت نبوی ۰۰ امید بعنایات الهی و حمایت حضرت
رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و سلم آنست که از مواهب فضل
احدی و میامن شفاعت احمدی قسطی اتم اکمل و سهمی اعظم
اشمل بروزگار محنت زدگان آخر الزمان که در ماتم شاه شهیدان
با دیده گریان و سینه بریان حاضر میشوند واصل شود اهل [illegible]
نماینده و خواننده کتاب و نویسنده و شنونده را [illegible]